



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۰/۳۱

رحیم شنسب

## بمناسبت سال وفات ابوالمعانی عبدالقادر بیدل و روزهای (عرس) آن عالیجناب



جز پیش ما بخوانید افسانه فنا را  
از طاق و قصر دنیا کز خاک و خشت چینی  
چشم طمع مدوزید بر کیسه خسیسان  
در چشم کس نماندهست گنجایش مروت  
از دستبرد حاجت نم در جبین نداریم  
تا زنده ایم باید در فکر خویش مردن  
بیکاری آخرکار دست مرا به خون بست  
از هرکه خواهی امداد اول تلافی اش کن

هر کس نمی شناسد آواز آشنا را  
حیف است پست‌گیرید معراج پشت پا را  
باور نمیتوان داشت سگ نان دهد گدارا  
زین خانه ها چه مقدار تنگی گرفت جا را  
آخر هجوم مطلب شست از عرق حیا را  
گردون بی مروت بر ما گماشت ما را  
رنگین نمیتوان کرد زین بیشتر حنا را  
دستی اگر نداری زحمت مده اعصارا

هنگام شیب بیدل کفر است شعله خویی

محراب کبر نتوان، کردن قد دوتا را

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل فرزند میرزا عبدالخالق در سال ۱۰۵۴ هـ.ق به دنیا آمد. او شاعر پارسی‌گوی است که از ترکان جغتایی برلاس یا ارلاس بدخشان افغانستان بود؛ وی در پتنه در ایالت بهار هندوستان متولد شد و تربیت یافت و بیشتر عمر خود را در شاه جهان‌آباد دهلی زندگی کرد و آثار منظوم و منثور خود را ایجاد نمود.

بیدل بهروز پنجشنبه چهارم صفر سال ۱۱۳۳ ه.ق در دهلی زندگی را بدرود گفت و در صحن خانه‌اش، در جایی که خودش وصیت کرده بود، دفن گردید. [۲] پژوهش‌های استاد سید محمد داود الحسینی پیرامون زندگی میرزا عبدالقادر بیدل، بر این پایه است که استخوان‌های بیدل بعد از دفن موقت در صحن خانه‌اش، به وسیلهٔ مریدان و بازماندگان خاندانش، به افغانستان انتقال داده شده، و مزار وی در هند نیست. قابل یادها نیست که پژوهش‌های پوهاند سید سلطان شاه همام، استاد انسان‌شناسی در پوهنتون کابل که در مورد «مُغُل‌ها» انجام داده و در مطبوعات افغانستان منتشر شده‌است، به صورت واضح نشان می‌دهد که مادر بیدل از شاخهٔ جغتایی‌های ساکن در دهکدهٔ «یکه ظریف» خواجه رواش کابل بوده‌است، محلی که استخوان‌های میرزا عبدالقادر بیدل بعد از انتقال از دهلی، در جناح تربیت «میرزا ظریف» به خاک سپرده شد به این ترتیب مزاری که در دهلی به نام بیدل شهرت دارد جعلی می‌باشد، علامه صلاح الدین سلجوقی در صفحهٔ ۸۷ نقد بیدل خویش این‌طور می‌نویسد:

«حینی که به هند به صفت جنرال قنسل بودم، از بیدل خیلی جستجو نمودم، در پایان کوشش خود به این فکر آمدم که بقایای او را به کابل آورده‌اند، و من درین باره با استاد سید محمد داود الحسینی همنوا هستم. اسناد استاد موصوف ب قوت است، و علاوه بر آن، گم شدن و ناپدید شدن ناگهانی قبر در زمانی که در آن محیط بزرگترین شاعر و صوفی و ادیب محسوب می‌شد، هیچ معنی ندارد به‌جز این‌که جثهٔ او را از خانه‌اش (که طبعاً قبر در خانه معنی دیگری ندارد بجز این که موقت باشد) رسماً به وطنش و باز به جایی که در قریهٔ (خواجه رواش) به نام محلهٔ جغتایی‌ها، یعنی اقوام بیدل، معمور و معروف بوده‌است و تاکنون مرکز صوفی‌های وحدت الوجودی یعنی انصاری‌های پای منار است، آورده‌اند».

استاد سلجوقی به تائید الحسینی قول ۸۷ نفر از شخصیت‌های عظام را سند می‌آورد که پیکر حضرت بیدل از مدفن او واقع شهر دهلی، به پایمنار ده سبز انتقال و به جوار قبر مامایش مرزا ظریف دفن شده است، امیر عبدالرحمن خان که میخواست به اعمار قبر بیدل اقدام کند ولی سلطان شاه، احمد شاه و تیمور شاه که مالک باغ و زمینی بودند که قبر بیدل و ماما هایش میرزا ظریف در آن قرار داشت، قبرها را به این منظور تخریب کردند که ملکیت شان را دولت تصاحب نکند و ملکیت شان به اصطلاح سر کاری نشود.

در مورد محل دفن میرزا عبدالقادر بیدل با همین نوشتهٔ مختصر اکتفا می‌شود، نوشته‌ها و تحقیقات وسیع و کافی پیرامون موضوع وجود دارد از تفصیل آن اینجا صرف نظر میشود.

از آنجائیکه غایله و غوغای صلح درین چهل سال در افغانستان تا کنون بی نتیجه بلند است یک قطعه غزل حضرت بیدل را در مورد به ملاحظهٔ دوستان می‌رسانم

زین تفنگ و تیر پرخاشی که دارد جهل خلق	نیست ممکن تا نیارد در میان شمشیر صلح
مطلب نایاب ما را دشمنی آرام کرد	با خموشی مشکل است از آه بی تأثیر صلح
بر تحمل زن که می‌گردد دین دیر نفاو	صلح از تعجیل جنگ و جنگ از تأخیر صلح
با قضا گر سر نخواهی داد کو پای گریز	اختیاری نیست این آماج را با تیر صلح
مرد را چون تیغ در هر امر یگرو بودن است	نیست هنگام دعا بی خجالت تزویر صلح
عام شد رسم تعلق شرم آزادی کر است	خلق را چون حلقه باهم داد این زنجیر صلح
در طلسم جمع اضدادی که برهم خوردنی ست	آب میگردم ز خجالت گر نماید دیر صلح

اعتبارات آنچه دیدم گفتم او هام است و بس  
دوش از پیر خرد جستم طریق عافیت

جنگ صد خواب پریشان شد به یک تعبیر صلح  
گفت ای غافل به هر تقدیر با تقدیر صلح

کاش رنگ عالم موهوم در هم بشکند

تنگ شد بیدل به جنگ لشکر تصویر صلح

\*\*\*\* \*\*

به مناسبت سال وفات حضرت عبدالقادر بیدل

Shansab\_rahim\_ba\_monasebat\_sal\_wafat\_bedel.pdf

